

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۲ اکتوبر ۲۰۱۶

شکست مبارزات خلق کرد ریشه در ناتوانی شناخت از دشمن دارد

رویدادهای اخیر در سوریه پیرامون مسأله کردها و همکاری آنها با امریکائی ها، تجربه سالها حکومت خودمختار کرد در عراق و همکاری آنها با صهیونیسم و امپریالیسم و داعش، اظهارات رهبر حزب دموکرات کردستان ایران در همدستی با صهیونیسم اسرائیل و دعوت از امریکا برای حمله به ایران و همدستی کردهای ایران با منصور حکمت و پذیرش تئوریهای اسرائیلی و "غیر طبقاتی" وی، حزب ما را بر آن داشت که به مسأله خواستهای ملی خلق کرد و راه رهایی واقعی آنها نظر مجددی بیفکنیم. این که در ایران به ملت کرد ستم وارد می شود بر کسی پوشیده نیست. این ستم به طور عمده در عرصه استفاده از امکانات آموزشی زبان مادری در مدارس بروز می کند.

نه در رژیم سلطنتی و نه در رژیم جمهوری اسلامی به تشکیل انجمنهای ایالتی ولایتی این خلقها که دستآورد انقلاب مشروطیت بود توجه کردند و نه به تحقق آن یاری رساندند. به این جهت باید گفت که خلقهای ایران کاملاً خلقهای متساوی الحقوق نیستند و از برابری یکسان برخوردار نمی باشند و این طبیعتاً بازتاب ستم ملی در جامعه است. ولی مسایل را باید مشخص ارزیابی کرد و از کلی گویی برای کسب نتایج از پیش ساخته و نادرست پرهیز نمود. علی رغم وجود این ستم ملی آنهم به ویژه در عرصه استفاده از زبان مادری به صورت رسمی، نمی توان مدعی شد که آذریها، کردها، بلوچها و یا هر خلق دیگری در ایران صرفاً به علت تعلقات ملی مورد ستم و پیگرد قرار می گیرند.

در خاک ایران بخشی از آن آذربایجان و بخش دیگری از آن کردستان نامیده می شود و این مربوط به چند سده اخیر نیست، ریشه قدیمی تر داشته و در افکار عمومی و ذهنیات مردم ایران جا باز کرده است. همه افراد متعلق به خلقهای گوناگون ایران می توانند به زبان مادری خود سخن گویند، بنویسند، از امکانات رسانه ئی استفاده کنند، به موسیقی و هنر خویش بپردازند و هرگز به این علل مورد تعقیب قرار نمی گیرند. حتی بسیاری از دولتمردان و طبقات حاکمه ایران متعلق به خلق آذری(ترک) هستند که در سرکوب سایر خلقهای ایران فعالانه شرکت داشته و دارند.

در ایران چه در زمان شاه و چه در زمان جمهوری اسلامی تنها کسانی مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند و می گیرند که به ضد رژیمهای حاکم زمان به مبارزه سیاسی و اجتماعی اشتغال داشتند و مبارزه آنها خطری برای حاکمیت رژیمها محسوب می شد. در قتل عام مردم آذربایجان در ۲۱ آذر [قوس] ۱۳۲۵ همه فنودالهای بزرگ آذری از جمله ذوالفقاری،

ملک قاسمی، مراغه ای و... شرکت داشتند. کسانی که در پی ارزیابی مسأله ملی در ایران هستند، باید این نکته اساسی را درک کنند.

در این مقاله قصد نیست تا از ریشه های پیوندهای چند هزار ساله تاریخی میان خلقهای گوناگون ایران که در کنار هم دو انقلاب کردند، به ضد متجاوزان جنگیدند و در مبارزات ضد استعماری مردم ایران شرکت عظیم و فعال داشتند، سخن به میان آید. متأسفانه به ویژه در میان کردهای ایرانی این تفکر ضد علمی و ناسیونال شونیستی قوت گرفته است که گویا واژه کرد مترادف با انقلابی است و در میان خلق کُرد فرد، گروه و یا طبقه ارتجاعی وجود ندارد. اگر یک کُرد سیاسی به زشتترین اعمال هم دست بزند باز هم گویا چون کُرد است، قابل اغماض است. تو گوئی در تاریخ ایران سالار جاف ها، جاش ها، پیشمرگان کرد مسلمان که همدست رژیم جمهوری اسلامی بودند، وجود نداشته اند. صرف کُرد بودن، توجیه گر هر خیانتی شده است.

این زدودن مرز میان دوست و دشمن و ناتوانی در ارزیابی علمی و طبقاتی در میان افراد و سازمانهای سیاسی کُرد ریشه قدیمی و ناسالمی دارد. تنها اقلیت قلیلی در میان کردها هستند که کمونیست می باشند و خود را کمونیست می دانند و آن هم به این مفهوم که کمونیست بودن را مرجح بر کُرد بودن می شمارند و بر این اساس حتی به ضد سایر کُردها که ارتجاعی هستند، مباره می کنند. متأسفانه این کُردهای مترقی در اقلیت به سر می برند. این خصیصه نکوهیده نه در میان فارسها وجود دارد و نه در میان آذربایجانیها و بیشتر دامنگیر کردهای منطقه است. از نظر این دو خلق اخیر هم فارس ارتجاعی وجود دارد و هم آذربایجانی ارتجاعی و به عکس.

در میان کردها این ناسیونال شونیسم کور و عدم شناخت دشمن به آنجا کشیده است، که کردها در راه کسب حقوق برابر خویش با سایر خلقها، در هر کشور معینی که وجود دارند به همدست ارتجاع جهانی و یا ارتجاع همسایه ارتجاعی آن کشور معین بدل شده و همواره به عنوان آلت دست آنها عمل کرده و مبارزه خلق کرد را از یک شکست به شکست دیگر کشانده اند و توانائی پذیرش انتقاد را نیز ندارند.

ملا مصطفی بارزانی پدر خلق کُرد برای مبارزه با حکومت وقت عراق با شاه ایران همکاری می کرد و مأموران ساواک و حتی مأموران موساد و کارشناسان نظامی ایران و اسرائیل در شمال عراق به ضد همه خلقهای منطقه وول می خوردند. ملا مصطفی بارزانی افتخار می کرد که با اسرائیل به ضد خلقهای عرب همکاری می کند و از آنها پول و اسلحه گرفت و حتی پیروزی در جنگ شش روزه اسرائیلی ها به ضد خلقهای عرب را به آنها تبریک گفت. پسرش آقای مسعود بارزانی و رهبر دیگر کردهای عراق آقای جلال طالبانی برای "کسب حقوق ملت کرد" با جرج بوش در تجاوز سربازان امریکائی به ضد انسانیت، به ضد منشور ملل متحد، به ضد تمام خلقهای منطقه و جهان به کشور عراق، همکاری صمیمانه نمودند و کردستان عراق را به پایگاه تجاوز امریکا و اسرائیل در منطقه تبدیل کردند.

سه هزار از کردهای دست آموز امریکا از نظر نظامی توسط امریکائی ها در کردستان عراق برای خرابکاری پیاده شدند تا سیاست راهبردی امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه را تکمیل کنند. آنها اسرائیل کوچکی در نزدیکی مرزهای ایران به وجود آورده اند که مملو از جاسوسان موساد و مرکز خرابکاری آنها در شرایط کنونی علیه ایران و سوریه است. کردهای عراق در سرکوب و قتل عام مردم عراق چه بخواهند و چه نخواهند چه بدانند و چه ندانند و یا جاهل کنند، دست داشته اند. "حق خود تعیینی سرنوشت آنها" که بسیار شکستنی است بر دریائی از خون و دشمنی به پا شده است. و مسلماً بدون پاسخ نمی ماند. همین تبهکاری سران قوم که از عاقبت اعمالشان واهمه دارند، آنها را بیشتر به آغوش امپریالیسم و صهیونیسم می کشاند. حکومت کردستان عراق از هم اکنون در وحدت عراق اخلال می کند و از داعش آدمخوار برای عبور از مناطق بی خطر برای رسیدن به بغداد در کادر ستراژی امپریالیسم امریکا به دفاع

برخاست و همه امکانات برای این راه پیمائی طولانی برای فتح بغداد را فراهم ساخت. تو گوئی اشغال عراق توسط داعش به کردستان عراق ربطی ندارد؟ کردستان عراق از مقاومت در برابر داعش دست بر داشت تا راه عبور آنها برای اشغال کامل عراق و فتح بغداد هموار باشد. منطق آنها این بود که "داعش عربها را می کشد ما که کرد هستیم". این زدودن مرز میان دوست و دشمن و ناتوانی در تحلیل مسایل علمی به علت کوری ناسیونال شونیستی، فاجعه ای به بار آورده که هنوز پایانی بر آن متصور نیست. رهبران کردستان عراق درک نمی کنند که با اتخاذ این سیاست، گور خویش را می کنند و هیچ یک از خلقهای منطقه با ایجاد کردستانی که بخواهد پایگاه ضد انقلاب جهانی برای سرکوب خلقهای منطقه و قتل عام آنها شود موافق نخواهند بود و چنین حق تعیین سرنوشتی در دوران امپریالیسم به مفهوم مستعمره امپریالیسم امریکا شدن است.



از چپ به راست: مسعود بارزانی، مناخم ناهید ناووت (Menachen Nahik Navut) معاون موساد در سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶، محمود عثمان عضو مجلس عراق، زوی زامیر (Tzvi Zamir) رئیس موساد در سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۶، ناخوم آدمونی (Nachum Admoni) رئیس موساد در سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹، یک پیشمرگه کردهای ایران نیز متأسفانه و با حسابگری بورژوائی از این "حق تعیین سرنوشت در عراق" حمایت می کنند و شما سازمان کردی را پیدا نمی کنید که همدستی رهبران کردستان عراق را با جرج بوش و اسرائیل محکوم کند. همه آنها از زیر بار این محکومیت و مبارزه با این نوع برداشت دشمنانه از حق خود تعیینی سرنوشت و در برخورد به سایر ملل منطقه، فرار می کنند. کردهای ناسیونال شونیست برای تحقق آنچه را که خود خواستههای ملت کرد می پندارند، حاضرند حق سایر ملل منطقه را با دست امپریالیسم و صهیونیسم نابود کنند و باعث شوند که کشورهای منطقه صرفاً به بهای "آزادی خلق کرد" به مستعمره امپریالیسم بدل شوند.

روشن است که با این نوع حق خود تعیینی سرنوشت که همدستی با امپریالیسم است، نمی شود موافق بود و باید به ضد آن از هم اکنون افضاءگری کرده و قویاً مبارزه نمود. آقای مصطفی هجری رهبر حزب دمکرات کردستان ایران در مصاحبه با نشریه اسرائیلی جروزالیم پست می گوید: "ایران مقادیر زیادی پول به آنها (حماس و حزب الله) می دهد. من فکر می کنم که اسرائیل باید ایران را به عنوان دشمن اصلی خود بداند و سعی کند که دشمنش را تضعیف کند." وی سپس مانند پدرش ملا مصطفی بارزانی از صهیونیستهای اسرائیل که یک دولت متجاوز و نژادپرست است و حق خود تعیینی سرنوشت خلق فلسطین را لگدمال کرده و فلسطین را به خون کشیده است، می طلبد: "بنابراین اسرائیل باید به گروه های مخالف جمهوری اسلامی کمک کند." او در واقع با بیان این مطلب کیسه گدائی را مقابل رژیم صهیونیستی اسرائیل می گشاید. لازم به توضیح نیست که اسرائیل به این رهنمود آقای مصطفی هجری نیازی ندارد و سالهاست که

به پاره ای از سازمانهای اپوزیسیون ایرانی و از جمله مریدان تئوریهای منصور حکمت کمک مالی می کند. اسرائیل به ملامصطفی بارزانی و مسعود بارزانی هم کمک مالی کرده است و امروز به ضد حکومت قانونی و مشروع بشار اسد که مورد علاقه آقای هجری نیست، به داعش کمک مالی و تدارکاتی می کند تا حق خود تعیینی سرنوشت ملت سوریه را لگد مال کند.

آقای هجری هرگز به دفاع از حقوق مشروع و قانونی ایران که در توافقنامه های جهانی مستند است نمی پردازد، بلکه برای حق خود تعیینی سرنوشت کردهای ایران دروغهای امپریالیسم و خواستههای آنها را تأیید می نماید. وی در سال ۲۰۰۶، هنگامی که امریکا و اروپائی ها بر سر مسأله اتمی به ایران فشار وارد می آوردند تا از حقوق مشروع و مسلم خود صرفنظر کند، هشدار داد: "که مذاکرات باید بر حمایت از حقوق بشر و دموکراسی متمرکز شوند. معاملات اقتصادی سال گذشته، تثبیت اقتصادی برای ایران می آورد و رژیم ایران را مستحکم تر می کند."

همین آقای هجری در زمان تجاوز امریکا به عراق از جرج بوش دعوت کرد که به ایران نیز حمله کند و دستور تجاوز به ایران را فقط روی میزش قرار ندهد تا کردهای ایران نیز بتوانند به حقوق خود مانند کردهای عراق دست پیدا کنند. ایشان با تبلیغ برای یک گروه مشکوک و امپریالیسم ساخته اشاره کرد که: "گروه او با کنگره ملیت های فدرال ایران، چون آذری ها، عربها، بلوچها و ترکمن ها که به دنبال احقاق حقوق خود هستند، همکاری می کند. کردها احساس می کنند که اروپا و امریکا آنها را در حمایت از احقاق حقوق اقلیت ها و دموکراسی حمایت نمی کنند." آیا می شود با اینگونه حق تعیین سرنوشت ملل که به بهای اسارت سایر ملل در عصر امپریالیسم منجر می شود، موافقت کرد؟ آیا می شود با جهالت تمام و بی توجه به عواقب سیاسی این شعار مدعی شد که کمونیستها و نیروهای مترقی ایران، ترکیه، عراق و سوریه با ایجاد کشور مستقلی به نام کردستان در جوار خویش موافقت کنند، تا آنها مسلح شوند، قدرت بگیرند و به عنوان دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم در دشمنی با خلقهای منطقه عمل نمایند؟

موافقت با چنین تعیین حق سرنوشتی، خودکشی و پروراندن مار در آستین و این در درجه نخست به ضرر خلق کرد است، زیرا به رؤیاهای وی پایانی غم انگیز می بخشد. حداقل از بعد از جنگ جهانی دوم به این طرف شاهد آن هستیم که این نوع درک از سیاست حق خود تعیینی سرنوشت چه خساراتی به ملت کرد زده است. رفیق ستالین بدرستی روشن کرد که مقوله حق تعیین سرنوشت ملل در دوران امپریالیسم را باید در مبارزه با این بزرگترین ناقض حق تعیین سرنوشت ملتها و استعمارگر بزرگ به پیش برد. فقط آن نوع حق خود تعیینی سرنوشتی از نظر کمونیستها قابل قبول است که جنبه مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی داشته باشد و در جهت تضعیف این بزرگترین ناقض آن باشد و به دوستی و اتفاق خلقها کمک کند و نه در تقویت سیاستهای امپریالیسم در جهان و منطقه. در غیر این صورت درک نادرست از این مقوله منجر به آن می شود که همواره به آلت دست ارتجاع و امپریالیسم بدل شد و این را ما متأسفانه در تاریخ زندگی خلق کرد می بینم.

اخیراً ما با مبارزه قهرمانانه کردهای سوریه برای حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه و مخالفت با ترکیه و داعش روبه رو بودیم. کردهای انقلابی سوریه با مبارزه با داعش و ترکیه و اربابان امپریالیست آنها نه تنها موفق شدند از تمامیت ارضی سوریه دفاع کنند، بلکه توانستند روح مردم سوریه را تسخیر کرده و برای خود احترامی عمیق در افکار مردم به جای بگذارند. آنها اعتماد عمومی مردم منطقه را خریدند که بهای آن بی اندازه و ارزش سیاسی آن تاریخی است. آیا بهتر نبود که با همین روح به مبارزه خویش تا آزادی کامل سوریه و طرد پان ترکیستها، صهیونیستها، امپریالیستها و پان اسلامیستها ادامه می داند تا این که در وسط راه آهنگ آن نمایند که فقط گلیم خود را از آب بیرون بکشند و با امپریالیسم امریکا و نیروهای ویژه آنها که راهی شمال سوریه شده اند به همکاری پرداخته و عاملی در

تضعیف حکومت بشار اسد و تقویت سلطه امپریالیسم امریکا و نقض حقوق ملتها در منطقه شوند؟ و نام نیک خویش را سرمایه تجاوز امپریالیسم امریکا به خاطر وعده های واهی آنها سازند؟ روشن است که امپریالیسم امریکا برای کردهای سوریه آبرویی به جای نخواهد گذارد و از آنها در معاملات سیاسی خویش با روسیه و ترکیه برای نقض حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه استفاده می کند. مبارزه کردهای سوریه که باید سرمشق سایر کردها قرار می گرفت به بیراهه غیر قابل دفاع افتاده است.

"نارین کوبانه" (Narin Kobane) خبرنگار "باس نیوز" (Bas News) به نقل از یکی از رهبران "نیروهای دموکراتیک سوریه" اظهار داشت که: ساختمان یک پایگاه نظامی امریکائی در ۳۵ کیلومتری جنوب کوبانه در روستای "سیبات" (Sibat) به اتمام رسیده است.

<http://bas-haber.com/.../kobanedeki-abd-askeri-ussu-tamamland...>

به گزارش مستند برنامه تلویزیونی مونیتور در کانال یک ARD در المان فدرال، در تاریخ پنجشنبه ۸ ماه سپتامبر ۲۰۱۶ که در مورد سوریه است، به روشنی دیده می شود که کماندوهای جنایتکار امریکائی در لباس "واحدهای مدافع خلق" کردهای کوبانه در سوریه، به ضد ارتش ملی سوریه و تمامیت ارضی سوریه می جنگند و عملاً و به طور عینی به صورت متحد داعش در آمده اند.

<http://mediathek.daserste.de/Monitor/Gestern-Helden-heute-Zielscheibe-Die-K/Video?bcastId=438224&documentId=37612090>

راه رفع ستم ملی از کردها در همه ممالکی که آنها در آن سکونت دارند، تنها در مبارزه مشترک و همکاری آنها با سایر مردم آن کشورها برای تحقق آزادی، دموکراسی و حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی و مبارزه ملی و مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی آنهاست. در چارچوب اعتماد و احترام متقابلی که در متن این مبارزه انقلابی و مترقی ایجاد می شود، می توان به حقوق متقابل هم احترام گذشت و آن را به رسمیت شناخت و در کنار هم با صلح، دوستی و برادری و همکاری متقابل زیست. تنها این مبارزه است که دورنمای موفقیت و پیروزی و تفاهم و همبستگی همه خلقهای منطقه را خواهد داشت. در غیر این صورت مردم ایران هرگز به حکومت کردستانی در ایران نظیر کردستان بارزانی در عراق و یا جای دیگر تن در نخواهند داد و در این راه با کردهای انقلابی و مترقی نیز همدستانند. حمایت از حق خود تعیینی سرنوشت ملتها باید به ضد امپریالیسم و صهیونیسم باشد که در پی ایجاد جغرافیای جدید سیاسی در منطقه هستند.

حزب ما به هیچ سازمانی در این عرصه چک سفید نخواهد داد. هستند پاره ای از اپوزیسیون ایران که به جای مبارزه به مماشات مشغولند و با نان قرض دادن و هندوانه زیر بغل این و آن گذاردن بر این پندارند که گویا در پی تحقق حق خود تعیینی سرنوشت خلق کرد هستند و پاره ای از کردهای ناسیونال شونیست نیز از این مجیز گوئی ها برای تقویت خویش سوء استفاده می کنند و در دل خود می گویند: احمق ها! بیشتر به ما امتیاز سیاسی بدهید تا ما هرچه زودتر جدا شده خدمت همه شما برسیم.

حزب ما با این نوع حق خود تعیینی سرنوشت که نفوذ امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه تقویت کند و سرنوشت همه خلقهای منطقه را به خطر اندازد، موافق نیست و به ضد آن مبارزه می کند. حزب ما مخالف آن است که تبلیغات ناسیونال شونیستی ملت بزرگ یا کوچک ماهیت طبقاتی مبارزه ملی را مخدوش کند و مرز ارتجاعی و مترقی را بر اساس تعلقات قومی تبیین نماید. ما به این تفکرات و با ضعف و بزدلی پاره ای از اپوزیسیون ایرانی که فقط آموخته رشوه سیاسی بدهد، مبارزه می کنیم.

پیروزی خلق کرد که تا کنون همواره با شکست روبه رو بوده و از چاله ای به چاه بعدی افتاده است در گرو بازگشت از این راه بی سرانجام است. چه در ایران، چه در ترکیه، چه در عراق و چه در سوریه. باید همبستگی خلقهای ایران و منطقه را به ضد دشمن عمده و واحد تقویت نمود. این تنها راه درست نیل به هدف است.

برگرفته از توفان شماره ۱۹۹ مهر ماه [میزان] ۱۳۹۵ - اکتوبر سال ۲۰۱۶

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)